

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم، شماره چهل و یکم

تابستان ۱۳۸۴، صص ۲۷۶-۲۵۱

## لکه ابر عابر آفاق نومیدی

(نگاهی به شعر اخوان با تکیه بر تأثیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)

دکتر جمشید مظاهری\* - دکتر محمود براتی\*\* - غلامرضا فولادی\*\*\*

### چکیده

زندگی و شعر مهدی اخوان ثالث (م - امید) را می توان در سه دوره بررسی کرد: ۱ - دوره آغازین (پیش از کودتای ۲۸ مرداد). ۲ - دوره میانی (از کودتا تا ۱۳۴۴). ۳ - دوره فرجامین (از ۱۳۴۵ تا پایان).

۱ - دوره آغازین: مواد ارزیابی شعر اخوان در این دوره، سروده هایی است که در مجموعه «ارغنون» چاپ شده و سروده های پیش از کودتای مجموعه «زمستان»، که همگی در قالبهای کلاسیک و چهارپاره سروده شده است. ۲ - دوره میانی (از کودتا تا ۱۳۴۴). پر بارترین دوره زندگی شعری اخوان است که محصول آن نوسروده های مجموعه «زمستان» و مجموعه های «آخر شاهنامه» و «از این اوستا» است. اخوان در این دوره برترین شاعر سمبولیسم اجتماعی ایران است و با تأثیر پذیری از کودتای ۲۸ مرداد به آفرینش

\* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

\*\* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

\*\*\* - دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

منظومه‌های حماسی - اجتماعی بلندی چون «زمستان»، «چاووشی»، «کبیه»، «قصه شهر سنگستان»، «مرد و مرکب»، «آخر شاهنامه» و... می‌پردازد که عمده اعتبار شعری او از آنهاست. ۳- دوره فرجامین (از ۱۳۴۵ تا پایان). در این دوره مجموعه‌های «در حیات کوچک پاییز، در زندان»، «زندگی می‌گوید...» و «دوزخ اما سرد»، قوس نزولی شعر اخوان را می‌سازند تا سرانجام همچون آغاز به شعر کلاسیک در مجموعه «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» برسد.

### واژه‌های کلیدی

شعر کلاسیک، شعر نونمایی، کودتای ۲۸ مرداد، مهدی اخوان ثالث.

### درآمد

شاعر نیز چون دیگر انسانها رویدادهای خوب و بد، زشت و زیبا، تلخ و شیرین و... اطراف خود را می‌بیند و گاه بر اثر انطباق کیفیت‌های دیده شده با حس و حال درونی خود نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهد. ظاهراً عینی‌ترین و شگرفترین واکنش قابل مشاهده شاعر به پدیده‌ها و حالات وارد شده به اندرون خود، شعر اوست. هر شاعر از پدیده‌ای تأثیر می‌پذیرد و گاه گروهی از شاعران از یک پدیده خاص متأثر می‌شوند؛ اما به ندرت در تاریخ و جغرافیای ویژه شاعران اتفاقی رخ می‌دهد که همه یا بیشتر آنها را وادار به آن واکنش شگرف نماید و حتی تا مدتها بعد همچنان سایه بر آثار و اندیشه آنها بینگند. براه نرفته ایم اگر کودتای ۲۸ مرداد را یکی از این نوادر بشماریم.

از میان شاعران متأثر از این رویداد، مهدی اخوان ثالث (م- امید) از حساسترین و برجسته‌ترین آنان قلمداد می‌شود. «میزان این تأثیر بر شعر هیچ یک از شاعران آن زمان به اندازه شعر اخوان مستقیم نیست» (۱۲/ص ۱۲). «او مشخص‌ترین چهره شاعری معاصر است که شکست سیاسی و اجتماعی، عمیق‌ترین و قطع‌ترین تأثیر را در اندیشه و شعرش برجای نهاده است» (۱۹/ص ۴۳۳). گویی اخوان از آن دسته روشنفکرانی است که محو دستاوردهای سیاسی - اجتماعی دوره پیش از کودتا، در ذهن آرمانشهری پرداخته بودند که یکباره فروریخت. «در دوره شکست است که امید به اندیشیدن می‌نشیند و از این اندیشیدن، گرایشی نیرومند سر بر می‌آورد که چهره

دیگری از او می آراید. چهره ای متفاوت یا متناقض با چهره نخستین ... این تار، این لایه، این پوسته برهرزایه از دید و ذهن و زبان او تنیده است» (۱۹ / ص ۴۴۹). این نوشته قصد دارد تا به بررسی تأثیر این رویداد سیاسی - اجتماعی بر شعر اخوان بپردازد.

توضیح دو نکته:

۱- چهره های شاعر در آینه آثار: کارنامه ادبی شصت و دو سال زندگی (۱۳۶۹-۱۳۰۷) و حدود چهل و پنج سال فعالیت<sup>۱</sup> (۱۳۶۸-۱۳۲۳) مهدی اخوان ثالث به قرار زیر است:

- ارغنون (۱۳۳۰) مجموعه ای از سروده های کلاسیک
- زمستان (۱۳۳۵) مجموعه ای از شعرهای نو و کلاسیک.
- آخر شاهنامه (۱۳۳۸) مجموعه ای از شعرهای نو و کلاسیک.
- از این اوستا (۱۳۴۴) مجموعه ای از شعرهای نو و کلاسیک.
- منظومه ی شکار (۱۳۴۵) در قالب چهار پاره.
- پاییز در زندان (۱۳۴۸) مجموعه شعر نو و کلاسیک.
- مقالات ادبی (۱۳۵۰) جلد اول نوشته های ادبی. (در چاپهای پس از فوت شاعر با نام «حریم سایه های سبز» ۱ و ۲ چاپ شده است).
- مرد جن زده (۱۳۵۴) مجموعه چهار داستان.
- درخت پیر و جنگل (۱۳۵۵) دومین کتاب داستانی.
- در حیات کوچک پاییز در زندان (۱۳۵۵) همان مجموعه شعر «پاییز در زندان» با افزودن دو شعر.
- زندگی می گوید: اما باز باید زیست ... (۱۳۵۷) مجموعه شعر نو و کلاسیک.
- بدعتها و بدایع نیما یوشیج (۱۳۵۷) درباره وزن شعر نو و شعر نو نیمایی.
- عطا و لغای نیمایوشیج (۱۳۶۱) درباره ویژگی های شعر نو نیما.
- تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم (۱۳۶۸) مجموعه اشعار کلاسیک.
- نقیضه و نقیضه سازان (۱۳۷۴) در مورد اصطلاح نقیضه و بعضی از نمونه های آن.

بدیهی است که سه چهره‌ی متمایز اخوان براساس کارنامه مذکور عبارت است از: اخوان شاعر، اخوان پژوهشگر و اخوان داستان‌نویس. در این میان موضوع سخن ما اخوان شاعر است.

در همین زمینه نکته‌ی مهم دیگر حجم سروده‌های کلاسیک و نو شاعر است. و شاید مایه‌ی شگفتی باشد که حجم اشعار کلاسیک اخوان بسیار بیشتر از نو سروده‌های اوست، «به طوری که به استثنای تعدادی رباعی و دوبیتی و تک بیت‌های متفرقه، از میان ۴۴۶ قطعه شعری که در طول حدود چهل و پنج سال کار مداوم شاعری سروده، تنها تعداد ۹۵ قطعه در قالب نیمایی و تعداد ۲۴ قطعه در قالب‌های گوناگون نوکلاسیک مثل چهارپاره و سه لختی است و بقیه، یعنی ۳۲۷ قطعه در قالب‌های کلاسیکی چون غزل، قصیده، مثنوی و قطعه و حتی ترکیب بند و ترجیع بند است» (۱۰/ ص ۱۷ و ۱۸). در این پژوهش تأکید عمده بر شعرهای نو شاعر است.

شعرهای نو اخوان در شش مجموعه چاپ شده است: زمستان، آخر شاهنامه، از این اوستا، پاییز در زندان. زندگی می‌گوید... و دوزخ اما سرد. شهرت و بزرگی شاعر نیز مدیون همین اشعار است؛ اما با توجه به موضوع، در این پژوهش بیشتر به سه مجموعه نخست پرداخته خواهد شد؛ چرا که شعر اخوان در سه مجموعه اول از کودتای ۲۸ مرداد بیشتر تأثیر پذیرفته است.

۲- در بخش بعدی زندگی و شعر اخوان، نقش اسایسی بر عهده کودتای ۲۸ مرداد است و هیچ یک از پژوهشگران تأثیر این رویداد مهم را نادیده نگرفته‌اند. دو دوره قبل و بعد از کودتا کاملاً متمایز و مشخص است؛ اما بر پایه سیر اندیشه و شعر اخوان می‌توان دوره سومی هم بر آن افزود و آن دوره فروکش کردن زایش هنری برآمده از کودتا و دگرگون شدن دید شاعر نسبت به شکست است که در دوره پایانی زندگی شاعر رخ می‌دهد.

در واقع می‌توان گفت شعر و زندگی اخوان - مانند پاره‌ای از شعرهایش چون «زمستان»<sup>۳</sup> - ساختار دایره‌مانندی دارد و آغاز آن با اوجی تابدار به پایان پیوسته است. به تعبیر دیگر منحنی شعر اخوان در یک سرود تدریجی تا کودتا پیش می‌رود و چون کودتا رخ می‌دهد، ابتدا به سکوت و سکونی مبتلا می‌شود و سپس در یک سیر ده ساله به اوج می‌رسد.

اگر «ارغنون» و «تو را ای کهن بوم وبر دوست دارم» را نقطه آغاز و پایان این دایره فرض کنیم، قوس صعودی این دایره از «زمستان» آغاز می شود و به اوج انکارناپذیر «از این اوستا» می رسد و قوس نزولی پس از آن آغاز می شود. انگار شعرهای «دوزخ، اما سرد»، «پاییز در زندان» و «زندگی می گوید...» نیز - به استثنای چند شاهکار - موالید نابهنگام زاییده طبع اویند که چشم آشنایان یا مجموعه های پیشین را سیر نمی کنند. گویی شاعر شگردهای فسونگرانه پیشین را با دیگر کردن جامه - چون اخوان واقعاً از تکرار می پرهیزد - به نمایش می نهد تا همچنان بزرگ بماند.

پس زندگی و شعر اخوان «آغازی» دارد و «میانه‌ای» و «پایانی». دوره میانه همانگونه که اشاره شد، اصلی ترین بخش زندگی و شعر اخوان و طبیعتاً بیش از دو دوره دیگر شایان توجه و پژوهش است.

#### ۱ - شعر اخوان در دوره آغازین (پیش از کودتا)

موضوع اصلی این دوره از شعر اخوان، چاپ اول «ارغنون» است و پاره‌ای از سروده‌های مجموعه «زمستان» که پیش از کودتا گفته شده است. در این تردیدی نیست که همه سروده های این دوره در قالب کلاسیک آفریده شده است. «در کل دوره شاعری اخوان، از نظر آماری، غزل با ۱۳۹ مورد از نظر تعداد بیشترین تعداد شعرهای کلاسیک را به خود اختصاص داده است، و بعد از آن قطعه، با ۱۲۷ قطعه دومین قالبی است که اخوان ثالث در آن سروده است» (۱۰/ص ۳۰). بنابراین در آغاز به غزل او نگاهی می افکنیم.

«اخوان در غزل، به طرز قدیم و در اوزان عروضی مسلماً به پایه بعضی از غزلسرایان معاصرش، چون شهریار و عماد و سایه نمی رسد» (۱/ص ۷۶). کسانی حتی بر این عقیده اند که «اخوان شاعر عشق نیست، مگر اینکه در عشق هم روایت بسازد که تا حال نساخته است و آن غزل گونه هایی که گفته فقط روحیه عاشقانه را نشان می دهد و نه عشق...» (۹/ص ۸۰). اما در برابر پژوهشگرانی نیز براین باورند که «غزلهای ارغنون - که نغمه ی عشق و جنون می نوازد - شور و احساس فراوان دارد» (۱۷/ص ۱۱).

خود شاعر نیز علاقه چندانی به غزلهای ارغنون نشان نمی دهد و در مؤخره چاپ سوم این کتاب می نویسد: «بسیاری از قطعات ارغنون کار ایام نوجوانی و غزل گویی و

ابتدای هوای شعر و شاعری است» (۲/ص ۲۹۴). محتوای غزلهای اخوان - همان گونه که انتظار می‌رود - عمدتاً بیان مضامین عشق و وصال و هجران و می‌پرستی و مانند اینهاست. عشق مطرح شده در این غزلها از مقوله موسوم به عشق مجازی - با کمترین امکان تفسیر عرفانی - و وصال و هجران آن با رنگ و بوی غلیظ و قوع‌گرایی و باده آن از نوع انگوری است.<sup>۴</sup> بی‌ریایی و صداقت صمیمانه شاعر از بیت بیت این غزلها بر می‌آید و این امر علاوه بر مضامین؛ ناشی از زبان ساده و گاه شبه محاوره‌ای آنهاست. زبان غزلهای پیش از کودتای اخوان، با همه سادگی و بی‌پیرایگی و صمیمیت صادقانه، زیر بنای پاره‌ای از سروده‌های برجسته او در دوره‌های بعد است. زبان شعرهایی چون نماز، غزلهای در قالب نو، بخش بزرگی از مجموعه «پاییز در زندان» و... شکل تکامل یافته همین زبان غزلهای دوره جوانی است.<sup>۵</sup>

می‌توان اخوان پیش از کودتا را در آئینه غزل، در شمار رمانتیکهای مشهور به نوقدمایی از قبیل: فریدون توللی و نادر نادرپور و امثال اینها و از دیدی دیگر شبیه به غزل سرایانی چون: رهی معیری و پژمان بختیاری قلمداد کرد. نمونه زیر یکی از غزلهای مشهور اخوان در دوره پیش از کودتا (شهریور ۱۳۲۷) است:

امشب جگرم خون مکن ای ماه جفا جو

من یک شبه مهمانم و صد ساله دعاگو

خوش باش و بخند ای بت شیرین دهن من

شیرین دهنی چون تو دریغ است ترش رو

ابرو ز سرخشم مکن کج که نه نیکوست

با چهره نیکوی تو کج کردن ابرو

خوشخوی تر و نرم تر و رام‌ترک باش

از من مهراس ای بچه حور، ای بچه آهو

چون کبک تو قهقهه بزنی ای یار و نهان شو

تا من کنم از شوق تو چون فاخته «کوکو»؟

بگشای زهم بافته گیسو و بیفشان

افشانده بود خوب تر آن خرمن گیسو...

«امید» که شد یک شبه مهمان تو گوید

امشب جگرم خون مکن ای ماه جفا جو

(۱۲/ص ۹۰)

قصیده‌های اخوان گاه به تقلید از شاعران سبک خراسانی با همان مضامین تکراری توصیف بهاران و شب و چله و ... و گاه به تقلید از شاعران معاصر مانند ملک الشعرای بهار (در قصیده عصیان) و به ندرت با حال و هوای بدبینی و غم زدگی رمانتیک وار (مانند قصیده "کاش") سروده شده اند. زبان این قصیده‌ها، سرچشمه زبان حماسی و شکوهمند اخوان در منظومه‌های بلند بعدی است.

در قطعه‌ها و اخوانیه‌ها نیز اخوان حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد و از دید فرم و محتوا، عمدتاً همان شیوه‌های معهود شاعران دوره بازگشت را معمول داشته است. فقط در یک قطعه، که به نقد عقیده «آنا تول فرانس» در مورد نیازهای انسان در زندگی پرداخته است، نشانی از جامعه‌گرایی شاعر و حساسیت نسبت به دردهای مردمی دیده می‌شود. اما زبان پاره‌ای از قطعه‌ها متأثر از زبان محاوره و تحت تأثیر شاعرانی چون ایرج میرزاست و این زبان نیز در شعرهای آینده بسیار مؤثر افتاده است.

### چند برداشت کلی از دوره‌ی آغازین شعر اخوان

الف - نرأموش نباید کرد که جو حاکم بر جامعه ادبی ایران در فاصله‌ی ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۳ بر شعر و اندیشه‌ی اخوان این دوره تأثیر داشته است. در واقع حالت‌های رمانتیک گونه اخوان بی شباهت به رمانتیسم سیاه امثال نصرت رحمانی نیست و اگر اندکی پا فراتر بگذاریم با امثال الیرت و ازراپاوند نیز وجه اشتراک می‌یابد. در واقع آغاز دوره صنعتی در پایان قرن ۱۸ غرب و آغاز سده اخیر در ایران، رشد و رواج شهرنشینی و روابط برآمده از زندگی مدرن و تمدن غرب و ... موجب احساس گم‌گشتگی، تنهایی، سرخوردگی و سرانجام طغیان انسان (شاعر) بر ضد ظواهر مدنیت جدید و انزواگرایی و بدبینی او شد.<sup>۶</sup>

اخوان و شاعران بدبین و رمانتیک معاصرش آمادگی روبه‌رو شدن با آسینهای فردی و اجتماعی را در خود احساس می‌کردند و شاید بتوان ادعا کرد که به نوعی آمادگی شکست را داشتند و این شکست که کوچک هم نبود باعث شکوفایی شعر او شد. در واقع «گرایش به انسان و عدالت [در شعر اخوان] یک مرحله آغاز داشته است و یک

مرحله تداوم. آغاز آن در دوره پیش از شکست بوده است که ... فقط گاهی در هاله‌ای از تردید زلال گزارش شده و تداومش در دوره پس از شکست است» (۱۹/ص ۴۴۳). اما ناامیدی و بدبینی و دیگر خصلت‌های اندیشگی شعر اخوان در دوره پس از کودتا، همانگونه که گفته خواهد شد، با حالتهای مشابه در دوره ی اول تفاوت اساسی دارد.

۲- قالب موسوم به چهارپاره، در سالهای مورد بحث، به عنوان قالبی نو شناخته می‌شد و بعدها قالبی بینابین معرفی گردید. در مجموعه «ارغنون» خبری از چهارپاره نیست و نخستین چهارپاره‌های چاپ شده در مجموعه «زمستان» در فرودین ۱۳۲۷ سروده شده است و این نشان می‌دهد که اخوان در هنگام چاپ ارغنون چهارپاره‌های خود را جدا کرده و به چاپ نسپرده است. در مجموعه «زمستان» سیزده قطعه شعر در قالب چهارپاره سروده شده و پنج بار از قالبهای مشابه آن استفاده شده است.<sup>۸</sup>

قالب چهارپاره مسیر اخوان را به سوی شعر نو هموار کرده است و اهمیت زیادی دارد. از همین چهارپاره‌های نخستین شاعر می‌توان دانست که او، هم تحت تأثیر ملاکهای فریدون توللی و نادرپور بوده است و هم اندیشه‌های نو و زبان کهن او را به سوی دیگر می‌خوانده و این دو سویگی در سروده‌هایی چون «خفته»، «سگها و گرگها» و «بی سنگر» به چشم می‌خورد.

۳- جامعیت اخوان از دید تسلط بر ادب کهن، توانایی به کارگیری قالبهایی چون: غزل، قصیده، قطعه، مثنوی، رباعی و چهارپاره؛ فراگیری اندیشه‌های نو، پویایی ذهن و ... در بخش اول زندگی و شعر، شایستگی او را برای ورود به جهان شعر نو و تسخیر آن نشان می‌دهد. اخوان از این جنبه‌های برجسته خود به بهترین روش بهره می‌برد و هرکدام را در جایگاه ویژه به کار می‌گیرد تا چهره پر فروغی در ادب معاصر فارسی از خود نشان بدهد.

## ۲- شعر اخوان در دوره میانی (پس از کودتا تا ۱۳۴۴)

این دوره، دوره سرایش سه مجموعه ارزشمند و بی‌مانند «زمستان» (۱۳۳۵)، «آخر شاهنامه» (۱۳۳۸) و «از این اوستا» (۱۳۴۴) است و در برگیرنده ی شعرهای معروفی چون: «زمستان»، «چاووشی»، «میراث»، «آخر شاهنامه»، «کتیبه»، «قصه شهر سنگستان»،



«مرد و مرکب»، «آنگاه پس از تندر»، «آواز چگور»، «ناگه غروب کدامین ستاره» و مانند اینهاست که اخوان بودن اخوان به آنها بستگی دارد. در واقع غیر از سروده های زبانزد این سه مجموعه، کمتر می توان شعری در مجموعه های دیگر شاعر یافت که دوستانداران شاعر آنها را به خاطر سپرده باشند. تفاوت آشکار این نوع سروده ها با آثار کلاسیک و بسیاری دیگر از نو سروده های شاعر به اندازه ای است که نمی توان منشأ آن را در زندگی و اندیشه شاعر ندیده گرفت.

بی گمان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از تلخ ترین و منفورترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران است. این کودتا مورد انزجار روشنفکران و هنرمندان توده ای و جبهه ملی قرار گرفت و هرکدام فراخور توان خود به مبارزه با آن پرداختند. اخوان هم با حزب توده سر و سری داشت و هم به دکتر محمد مصدق - به تعبیر اخوان «پیر محمد احمد آبادی» - و آرمانهای ملی گرایانه علاقمند بود. علاوه بر آن وی به عنوان یک شاعر می دید که آزادی نسبی اهل قلم با یک تهدید جدی روبه روست، بنابراین تصمیم به مبارزه و ایستادگی گرفت با ابراز اندیشه و هنر. پس شعر اخوان یکسره دگرگون شد و در مسیری نوافتاد.

برای ردیابی تغییرات ایجاد شده در زندگی و اندیشه شاعر ابتدا به بررسی اجمالی سه مجموعه مورد نظر می پردازیم.

## ۱-۲ مجموعه زمستان

در مجموعه زمستان (براساس چاپ دهم، ۱۳۶۹) بدون لحاظ منظومه شکار، ۳۸ قطعه شعر چاپ شده که یا زده قطعه مربوط به پیش از کودتا و ۲۷ قطعه مربوط به پس از کودتاست، که محصول سالهای ۱۳۳۳ تا اول ۱۳۳۵ است. هفده شعر نیز در قالب نونیمایی سروده شده که هشت قطعه آن فضای سمبلیک دارد. این مجموعه محل پیوند مرحله اول و دوم شعر اخوان است. از یک سو چهارپاره هایی که مربوط به دوره اول است - و از آنها یاد شد - و از سوی دیگر نخستین شعرهای نونیمایی شاعر در این مجموعه چاپ شده اند و شعر «فریاد» اولین تجربه نوسرایی اوست.<sup>۹</sup>

می توان هفده سروده این مجموعه را در قالب شعر نونیمایی گنجاناند. در نخستین نگاه شعرهای بلند و مشهوری چون: «زمستان» و «چاووشی» نماد تکامل سیر شاعری

اخوان تا اوایل سال ۱۳۳۵ به شمار می‌آید و در سایه این دو، شعرهای دیگری چون: «باغ من»، «آواز کرک»، «فریاد» و «سرود پناهنده» دیده می‌شوند.

تغییر محتوا و دگرگونی جهان بینی شاعر در مجموعه زمستان به اندازه ای است که کمتر کسی می‌تواند این مجموعه را متعلق به شاعر «ارغنون» بداند. شاعری که عمدتاً متوجه خواسته های شخصی و فردی خود بود، اینک تبدیل به اندیشمندی شده است که به آسیب شناسی اجتماعی می‌پردازد و اندک اندک لایه لای تار و پودهای جامعه محو می‌شود. «من» شاعر در غزلها، قصاید و قطعات پیشین یک نفر شاعر شاد و نسبتاً سرخوش بود، اما در این مجموعه یک انسان ایرانی حساس است که با تک تک هم میهنان خود همدرد است و «باغ من» او باغ - میهن - همه ایرانیان است.<sup>۱۱</sup>

بنابراین، شاعر دگرگون شده به دنبال شیوه بیانی می‌گردد از گونه ای دیگر و نخستین آزمایشهای آن را در مجموعه زمستان به نمایش می‌گذارد. هنگامی که «من» شاعر گسترش می‌یابد، چهار فصل او نیز گستردگی معنایی پیدا می‌کنند و مخصوصاً، با توجه به اوضاع نابسامان اجتماعی، دو فصل «زمستان» و «پاییز» در شعر او سمبل فشار، استبداد، تاریکی و ناامیدی می‌شود. «باران» و «باد» و «پرنده» و «سبزه» و «گل» هر کدام معنای دیگری می‌گیرد و خوش خوش دنیای سمبلیک شعر اخوان را می‌سازد. دنیایی آکنده از درد و رنج، که تا سالهای سال نشیمن گاه شاعر می‌شود.

استفاده از سمبل به صورت بارز از شعر «سترون» - در قالب چهار پاره - آغاز می‌شود. ابری که همه نیاز به باریدنش دارند و چشم به راهش هستند، علیرغم فراهم بودن همه زمینه ها و آشکار شدن همه نشانه ها، نمی‌بارد. این دست سمبل در اشعار نیما دیده می‌شد و اخوان با تأثیرپذیری از او، آن را به کاربرد. بعدها در «فریاد» و سرانجام در «زمستان» و «باغ من» پختگی این شیوه بیان را شاهدیم.

علاوه بر این شگرد، از دید «ساختار» و «زبان» نیز شعر اخوان متحول شد. قالب نونیمایی، قالب موردپسند اخوان برای بیان دردهای همگانی و به بیان دیگر برای مبارزه با وضع موجود بود. تقریباً همه شعرهای اجتماعی اخوان در مجموعه زمستان در قالب نونیمایی - و به ندرت در قالب چهارپاره - سروده شده است. شعر نونیمایی اخوان از دید «ساختار» و «زبان» ویژگیهایی دارد.

از دید زبان در شعرهای نو مجموعه زمستان دو نوع زبان به کاررفته است. در شعرهایی چون زمستان، چاووشی و باغ من زبانی استوار با کلمه هایی رسمی و

ساختاری قصیده وار دیده می شود و در شعرهایی چون «آواز کرک» زبانی نرم و تغزلی. آمیزش با زبان محاوره در هر دو نوع زبان وجود دارد.

استفاده اخوان از زبان استوار و فخیم قصائد خراسانی برای سرایش منظومه های بلند حماسی- اجتماعی، نشانی است از شعور بالای شاعر نسبت به توانمندی های زبان فارسی. به تعبیر بهتر اخوان با اشراف بر ادب کهن پارسی، می بیند که در دوره رواج سبک خراسانی قصیده و حماسه، پهلو به پهلو پیش می آیند و شکوه حماسی، در زبان فخیم قصاید مینوچهری، عنصری و... تجلی می یابد. بنابراین او هم برای بیان حماسه های اجتماعی امروزی، از این زبان مدد می جوید.

برای اینکه درک درستی از دگرگونیهای ایجاد شده در بهترین شعرهای این مجموعه داشته باشیم، پاره ای از ویژگیهای ساختاری دو شعر «زمستان» و «چاووشی» را بررسی می کنیم.

از دید ساختار ظاهری شعر زمستان در شش بند و سی و هشت سطر سروده شده است و شعر چاووشی در پانزده بند و یکصد و هشت سطر. در واقع اخوان از همین نخستین مجموعه نوآیین خود، به قطعه قطعه کردن سروده های منظومه مانند خود پرداخته و این روند را در دوره های بعد نیز ادامه می دهد. این عمل منافاتی با «هارمونی» و ایجاد یک پارچگی که نیما در شعر فارسی پدید آورد ندارد و حتی خود نیما نیز در شعرهایی چون مرغ آمین آن را به کار گرفته است. شگردی که اخوان در شعر زمستان می آزمايد تا به سرتاسر شعر یک نواختی ببخشد، تکرار قافیه های سرتاسری است. قافیه «ان» و ردیف «است» در عبارتهایی چون «زمستان است»، «یکسان است»، «سوزان است» و «لغزان است» بندهای مختلف را به هم پیوند داده است. اما در شعر «چاووشی» شم شاعری اخوان او را به ابتکار دیگری رهنمون می شود و آن تکرار ترجیع وار عبارتهایی چون «بیاره توشه برداریم / قدم در راه بی برگشت بگذاریم» است که با عنایت به طولانی بودن شعر پیوند محکم تری به نظر می آید.

در همین زمینه، جایگاه قافیه و قافیه اندیشی سنتی وار اخوان باعث شده است که پاره ای از بندهای شعرهای نو او شباهت تام و تمام با چهار پاره یا سه لختی های سابق بیابد و این امر بیانگر تدریجی بودن حرکت شاعر به سمت شعر نو است.<sup>۱</sup>

نکته پایانی در بررسی مجموعه زمستان، روایت پردازي اخوان در این مجموعه است که بی گمان درمقایسه شاعر با دیگر سرآمدان نوسرایی، چون شاملو و سهراب و

فروغ، برجسته‌ترین ویژگی هنری او خواهد بود، چرا که «از بین شاعران نیمایی و شاگردان او، مهدی اخوان ثالث است که وصف روایی نیما را دنبال می‌کند» (۱۱/ص ۲۵۲). گروهی ممکن است زبان اخوان را برجسته‌تر از دیگر عناصر شعری او بدانند، اما هنگام مقایسه با شاملو، هر پژوهشگر منصفی، امتیاز زبان را به شاعر سپید سرا خواهد داد.

روایت‌گری اخوان به شکل بارز شبه نقالی از شعر «چاووشی» در همین مجموعه آغاز می‌شود.

#### ۲-۲- آخر شاهنامه

«باغ من» آخرین سروده «زمستان» تاریخ خرداد ماه ۱۳۳۵ را بر پیشانی داشت و اولین سروده‌های «آخرشاهنامه» یعنی «نادر یا اسکندر؟» و «غزل ۱» در اردیبهشت ۱۳۳۵ سروده شده و اینکه چرا در مجموعه «زمستان» چاپ نشده نامعلوم است.

در «آخر شاهنامه» سی و سه قطعه شعر چاپ شده است (براساس چاپ هفتم، ۱۳۶۱) و از میان آنها تنها یک مثنوی، یک رباعی و سه چهارپاره در قالبهای سستی و نوقدمایی سروده شده است و از بیست و هشت قطعه‌ی باقیمانده، دو قطعه با نامهای «قولی در ابوعطا» و «قولی در سه‌گانه» (آرزوها)، با شکل و وزنی خاص از تجربه‌های دیگرگون شاعر به شمار می‌آید، همچنین قطعه «سرکوه بلند» که مجموعه هفت دوبیتی سستی اما به هم پیوسته است که به ناچار از قبیل چهارپاره‌ها شمرده می‌شود. سه قطعه با نامهای «وداع» (مهر ۱۳۳۵)، «پیامی از آن سوی پایان» (۲۷ مرداد ۱۳۳۵) و «با همین دل و چشم‌هایم» - همیشه» (فروردین ۱۳۳۵) از دید سبک‌سرایش کاملاً با قالب نو نیمایی تفاوت دارند. این سه قطعه وزن و قافیه ندارد و زبان کاملاً محاوره‌ای (از دید ساختار) و ساده است و «شعر منتور» شمرده می‌شود.

شعرهای باقیمانده همه در قالب نو نیمایی سروده شده که از میان آنها شعرهای «چون سبوی تشنه»، «میراث»، «آخر شاهنامه»، «غزل ۳»، «برف»، «قصیده»، «ساعت بزرگ» و «قاصدک» شهرت بیشتری یافته است و از میان آنها به جز سه شعر: «چون سبوی تشنه»، «غزل ۳» و «قاصدک» که غیر روایی و یادگاری از زبان غزل‌سرایانه شاعر است، بقیه به زبان قصیده‌ای و به شیوه روایت‌گری سروده شده و جزء سروده‌های حماسی - اجتماعی اخوان شمرده می‌شود.

مهمترین نتیجه این بخش بندی، بیان این نکته است که سرانجام اخوان پس از شعر «زمستان» و «چاووشی» در مجموعه «زمستان» در این مجموعه حساب زبان و سبک شعرهای سیاسی - اجتماعی خود را از اشعار غنایی جدا کرده و زبان شکوهمند و نسبتاً دشوار خاص قصیده سرایی خود را به این دسته از شعرها اختصاص داده است. محتوای «آخر شاهنامه» حاکی از ظهور شاعری است دردمند که آرزوهای بزرگش همراه با یاران رفته بر باد رفته و اینک او مانده است و گروهی بازمانده خائن و دشمنانی پیروز و مست. دنیای او تیره و تار است و از هیچ سو راه گریزی و دریچه امید دیده نمی شود. شاعر - که انگار بار قرن‌ها شکست و گریز یک ملت را بر دوش کشیده - اخوان سی ساله است که چونان پیری سپید موی و سالخورده به روایت رویدادهای سالهای تلخ می پردازد. او فقط یک شکست اجتماعی معاصر را نمی بیند. این شکست بزرگ برای او تداعی گر همه شکستهای ملی پیشین است. از همین جاست که شکست اجتماعی - سیاسی شاعر بنیان شکست فلسفی او را تحکیم می بخشد. شاعر بدبین و آزردۀ پیش از کودتا که به دنبال ناکامی می گشت، اینک تحت تأثیر یک شکست بزرگ، تبدیل به «روح سیه پوش قبیله» و بلکه منادی پوچی و سرگردانی انسان امروز می شود و این بزرگ ترین دستاورد اخوان بود که راه او را پس از کودتا از دیگر چهارپایه سراهای رمانتیک جدا کرد. چرا که آنها «فضای ادبی چنددهه متوالی را از رمانتسمی سیاه، سطحی، بیمارگونه، خالی و خیالی انباشتند و شعر خوانان را با تغزلات ساده و سطحی سرگرم کردند» (۱۵/ص ۸۲). اما «اخوان برخلاف اکثر نوپردازان آن سالها که جو عمومی تیره و یأس پس از شکست، بهانه دست یازیدنشان به انواع هرج و مرج و افکار خوشباشانه شد و شعر را با اشعار احساساتی سکسی سیاسی به ابتذال و حسیض کشانده بودند، از شکست، حماسه های بلندی آفریده: حماسه سرودهایی که بیان دقیق حالات روزگار شکست روشنفکران نو مید بود» (۱۸/ص ۷۸).

شیوه بیان در آخر شاهنامه شکل تکامل یافته نوسروده های مجموعه زمستان است. در واقع اخوان در این مجموعه به شگرفترین و نابترین فضاها، تصویرها، واژه ها و ساختارها می رسد. و این گام بزرگی است به سوی اوج شاعری او که در مجموعه «از این اوستا» حاصل شد.

در زمینه فضای شعری و تصویر سازی، استفاده از سمبل‌های خاص نیمایی، مانند: پاییز و برف و درخت بیشترین نقش را ایفا کرده است، اما دستاورد ویژه اخوان - که در مجموعه بعدی به تکامل و گسترش می‌رسد - توجه به تاریخ ملی مخصوصاً در دو شعر بلند «میراث» و «آخر شاهنامه» است. شاعر که در مجموعه زمستان «من» خود را در محدوده جغرافیای ایران گسترده بود، اینک آماده می‌شود تا با گسترش این «من» در محدوده تاریخ ایران، بدل به نمونه برجسته یک ایرانی شود.

زبان اخوان در مجموعه آخر شاهنامه، شکل پخته تر همان نوسروده های زمستان است، با این پیشرفت قابل ملاحظه که زبان منظومه های بلند سیاسی - اجتماعی او که همان زبان سخته و فخیم قصیده وار بود، به شکلی بارز از زبان شعرهای تغزلی جدا و فاصله این دو نوع زبان که در مجموعه زمستان گاه در هم می آمیخت، بیشتر شده است. به عنوان نمونه به چند سطر از منظومه «آخر شاهنامه» توجه فرمایید و آن را با شعر «بیدل» که نمونه ای از اشعار تغزلی اخوان است مقایسه کنید:

بر به کشتی های خشم بادبان از خون  
 ما برای فتح سوی پایتخت قرن می آیم.  
 تا که هیچستان نه توی فراخ این غبار آلود بی غم را  
 با چکاچاک مهیب تیغ هامان، تیز  
 غرش زهره دران کوس هامان، سهم  
 برش خارا شکاف تیر هامان، تند  
 نیک بگشاییم.

(۴/ص ۸۳)

### بیدل

آری، تو آنکه دل طلبد آنی

اما

افسوس!

دیری است کان کبوتر خون آلود

جویای برج گم شده جادو

پرواز کرده است.....

(۴/ص ۷۷)

دیگر دستاورد بسیار مهم اخوان در این مجموعه، شناختن ارزش عنصر روایت و استفاده بیشتر و بهتر از آن است. روایت پردازی اخوان بویژه در دو شعر ارزشمند «میراث» و «آخر شاهنامه» آماده می شود برای اوج و تکاملی که در مجموعه بعدی به آن می رسد.

ساختار شعرهای بلند همچنان متشکل از بندهایی است که گاه کوتاه و گاه بلند است. شباهت این بندها به چهارپاره و قالبهای مشابه و استفاده شاعر از قافیه همچنان ادامه دارد.

### ۲-۳- از این اوستا

آخرین سروده «آخر شاهنامه» مربوط به شهریور ۱۳۳۸ است و اولین سروده «از این اوستا» از دید تاریخ سرایش، صرف نظر از شعر «هستن» که «به روح و یاد پاک و ارجمند مرتضی کیوان و دیگر یارانش که جزء نخستین گروه فریب نوش بود، با افتخار مرگ پاکی در طریق پوک...» (۵/ص ۷۰) تقدیم و در خرداد ۱۳۳۵ سروده شده است، به خرداد ۱۳۳۹ مربوط می شود.

شاید دلیل چاپ نشدن شعر «هستن» در مجموعه های قبل، سانسور و اختناق حاکم بر ایران و یا اقتدار حزب توده در آن سالها بوده است.

آخرین سروده این مجموعه نیز در تاریخ دی ماه ۱۳۴۳ سروده شده است. کم بودن تعداد شعرهای این چهارسال و فاصله معنا دار میان آنها، محل تأمل است.

در این مجموعه به نیر از مقدمه که از سروده های دوران قبل است، بیست و چهار قطعه شعر چاپ شده است (براساس چاپ دهم، ۱۳۷۵). سه قطعه در قالبهای سنتی (یک چهارپاره تک، یک رباعی و یک غزل) و بیست و یک قطعه در قالب نونمایی. در این بیست و یک قطعه خبری از تجربه های دیگر، شبیه آنچه که در آخر شاهنامه دیدیم نیست و این بیانگر قاطعیت شاعر در انتخاب مسیرنمایی برای ادامه راه شاعریش است.

یکی از دلایل اهمیت این مجموعه مؤخره یکصد و بیست صفحه ای آن است که معرف آیین مزدشتی و پاره ای از باورهای فرهنگی - هنری شاعر یا به تعبیر دیگر مانیفست شاعری اوست.

شعرهای این مجموعه عمدتاً بلند و بلند آوازه است. همه دردانه های اوج شاعری اخوان، با درخششی بی مانند و حسرت انگیز، در این رشته کشیده شده است، به گونه‌ای که کمتر اثری در دنیای ادب معاصر فارسی، یارای برابری با آن را دارد: «کتیبه»، «قصه شهر سنگستان»، «مرد و مرکب»، «آنگاه پس از تندر»، «آواز چگور»، «نماز»، «پیوندها و باغ» و بالاخره «ناگه غروب کدامین ستاره» از شعرهای این مجموعه است و پنج شعر نخست نزدیک به نیمی از حجم کتاب را در بر دارد. محتوای «از این اوستا» بیانگر جهان بینی اخوان و نشان دهنده خطوط اصلی زندگی، اندیشه و شعر اوست. اگر در مجموعه «آخر شاهنامه» سه غزل حضور فردی شاعر را هنوز حفظ می کرد، در این مجموعه تنها یک غزل دیده می شود که آن هم سخن از شب است و تاریکی. حتی شعر صبحی که مقدمه اش امیدوارانه می نماید و رنگی از بهاران بر چهره دارد نیز اینگونه ختم می شود:

«چنین غمگین و هایاهای

کدامین سوگ می گریانندت ای ابر شبگیران اسفندی ؟

اگر دوریم اگر نزدیک

بیا با هم بگریم ای چو من تاریک»

(۵/ص ۶۸)

گویی شاعر شکست، هر چه از زمان شکست دورتر می شود، ابعاد و عمق فاجعه را بیشتر در می یابد. «تأثیر شکست و آن واقعه اجتماعی - تاریخی، نقطه عطفی شده که اخوان همواره بر آن درنگ کرده و پس از آن نیز همه چیز را در پرتو آن دیده است» (۱۹/ص ۴۳۷). سیر شاعر در جغرافیا و تاریخ میهن نیز نه تنها مرهمی برداغ او نیست، بلکه بار او را سنگین و سنگین تر می کند. شکستهای تاریخی ایرانیان بر هم انباشته می شود و سرانجام «طرح شکست به جای آنکه در محدوده یک اعتراض سیاسی بماند، اساساً به عرصه اعتراض به هستی، جهان، زندگی و سرنوشت انسان گراییده است. . . طرح شکست در شعر اخوان یک نوع جهان شناسی است. از شکست و تنهایی اجتماعی در یک دوران سیاسی آغاز می شود، اما به شکست و تنهایی بشری درکل جهان می انجامد. از نومییدی و سرخوردگی سیاسی و تلخی حرکت قطع شده و فروکوفته، به نفی مطلق حرکت و فقدان اراده آزاد در انسان در زیر ستم و سیطره تقدیر کور می رسد» (۱۹/ص ۴۵۵).



اگر بخواهیم یک دسته بندی کوتاه و کلی ارائه دهیم، می توان گفت در این مجموعه «معانی و مضامین شعر اخوان در قالب سه گرایش عمده انعکاس یافته است:

۱ - ستایش حسرت آلود مظاهر و مفاخر ایران باستان. ۲ - شکاکیت و نیست انگاری خیامی. ۳ - نفرت و نومی‌دی روشنفکرانه» (۱۵/۱ ص ۱۸۹).

این اندیشه و جهان بینی در شعر و شخصیت شاعر نهادینه و با یاری شیوه بیانی پخته و شایسته در قالب شعرهای بلند از این اوستا ریخته می شود. شیوه بیانی که غریب نیست و ادامه روند مجموعه قبل است، اما دگرگونی‌هایی در آن دیده می شود.

مهمترین دگرگونی در زمینه فضا و تصویر سازی شاعر رخ داده است. در این مجموعه کمتر نشانی از سبلمهای باغ و پاییز و زمستان می بینیم و به جای آن شبی تاریک را شاهدیم و مخصوصاً نقب های تاریخی شاعر به حافظه جمعی قوم ایرانی را می بینیم که به یاری روایت پردازی شاعرانه به نمایش گذاشته شده است.

روایتگری اخوان شکل و شیوه ویژه خود را در این مجموعه می یابد. شیوه ای نقالانه و با حضور مستقیم راوی؛ به گونه ای که مثلاً در «مرد و مرکب» بیش از ده بار جمله «گفت راوی» تکرار می شود. گفتگو نیز بویژه در «قصه شهر سنگستان» به خوبی مورد استفاده قرار می گیرد و در مجموع شعر اخوان با یاری این عناصر دراماتیک، جاری و جاندار به اوج خود می رسد.

زبان در مجموعه «از این اوستا» همان زبان پخته و سخته «آخرشاهنامه» است. ساختار سروده های بلند این مجموعه همچنان بند بند است، اما فراموش نمی توان کرد که داستان پردازی اخوان در این منظومه ها باعث شده است که هر بند با یاری شخصیت های قصه و زاویه دید های مختلف استقلال ویژه ای بیابد و در کل مجموعه نیز نظمی شایسته برقرار شود. در این گونه سروده ها دیگر نیازی به عناصر موسیقایی چون تکرار و ردیف و قافیه که نقش پیوند دهنده، داشته باشند، نیست.

### ۳ - دوره فرجامین (۱۳۴۵ تا پایان)

«شعر اخوان نیز مانند بسیاری دیگر از شاعران معاصر، حرکت و صیوررت داشته است. این حرکت از «ارغنون» آغاز می شود و در «آخر شاهنامه» و «زمستان» و «از این اوستا» به اوج می رسد. شکوه شاعری او در «از این اوستا» به بالاترین سطح خود رسیده و درست مانند عقاب تیز پروزای که پس از یک پرواز رو به بالا، سرانجام

مجبور است، سر در نشیب گذارد، پس از این اثر اخیر شعر اخوان از آن اوج فرود می‌آید» (۱۴/ص ۴۲۶). به تعبیر دیگر «اخوان پس از آن [اوج] گر چه مجموعه‌های پاییز در زندان (۱۳۴۵)، زندگی می‌گوید اما باز باید زیست (۱۳۵۷)، دوزخ، اما سرد (۱۳۵۷) و تو را ای کهن بوم و بر دو ست دارم (۱۳۶۸) را منتشر کرده است؛ اما هیچ یک از این مجموعه‌ها به هیچ روی با سه مجموعه پیش گفته قابل مقایسه نیست» (۱۳/ص ۲۴۴)

همانگونه که اوج گیری اخوان تدریجی بود، نشیب او نیز اندک اندک رخ می‌داد. که به اختصار به بررسی این مسیر می‌پردازیم.

### ۳-۱- «درحیاط کوچک پائیز، در زندان»

اگر منظومه «شکار» را که در سالهای پیش آغاز و در سال ۱۳۴۵ به اتمام رسید، به دلیل سروده شدن در قالب چهارپاره و میان دوره ای بودن کنار بگذاریم، اولین مجموعه دوران نشیب اخوان «درحیاط کوچک پاییز، در زندان» خواهد بود.

مجموعه مورد بحث زیبایی‌ها و جذابیت‌های فراوانی دارد و هنوز چهره اخوان نوسرای بلند آوازه در آن پر رنگ است. در واقع می‌توان آن را در مرزی مابین «زمستان» و «آخر شاهنامه» جای داد. حتی دو منظومه بلند خوان هشتم و آدمک آن، منزلی در حد و اندازه سروده‌های بلند «از این اوستا» دارد. اما پس از مرواریدهای درخشان «از این اوستا» نمی‌توان این مجموعه را ادامه اوج و حتی ماندن در اوج لقب داد. پس ناچار نخستین گام از نشیب شمرده می‌شود؛ چرا که تعداد نسبتاً زیاد سروده‌های سستی و غزل‌های طولانی، نشانی است از برگشت اخوان به سوی فردیت و شخصیت پیش از دوران اوج و غلبه یافتن دوباره ذهنیت کلاسیک بر آفرینش هنری او. در این مجموعه بیست و دو قطعه شعر چاپ شده است (براساس چاپ دهم، ۱۳۷۶). چهار قطعه شعر کلاسیک (دو قصیده طولانی، یک غزل و یک مسمط) و هیچ‌ده قطعه در قالب نونیمایی که در میان آنها پنج غزل طولانی دیده می‌شود.

دو منظومه بلند خوان هشتم و آدمک را باید یکسره از سروده‌های این مجموعه جدا کرد و اندیشه و شیوه بیان آن را شبیه به منظومه‌های حماسی - اجتماعی «از این اوستا» قلمداد نمود.

هشت شعر دیگر این منظومه نیز با زبان و شیوه بیان سروده های نرم و تغزلی چون بسیاری از شعرهای آخر شاهنامه و چند سروده زیبای از این اوستا سروده شده که عبارت است از: دلی غمناک (آذر ۱۳۴۵)، دستهای خان امیر (مهر ۱۳۴۵)، در این همسایه ۱ و ۲، دریغ و درد ۱ و ۲، ما یا (اردیبهشت ۱۳۴۷) و سعادت؟ آه... (خرداد ۱۳۴۷).

سروده های ضعیفی چون «آن بالا» (اسفند ۱۳۴۷) شکی باقی نمی گذارد که شاعر اندک اندک شیوه پیشین را رها کرده و رو به نشیب نهاده است.

روی هم رفته مجموعه «درحیاط کوچک پاییز، در زندان» دچار تضادی است میان اوج و حسیض. هر چند شاعر مایل به حال و هواهای پیشین است، اما توان ماندن در اوج را از دست داده است و فقط گه گاهی می تواند سری به عوالم متعالی قبل بزند. در غزلهای پنج گانه این مجموعه، «من» فردی شاعر زندگی دوباره ای می یابد و دردهای شخصی او، میدان بروز دردهای اجتماعی را تنگ و تنگ تر می کند. بر قصیده های طولانی این مجموعه حال و هوای پیش از کودتا حاکم است و غزل «مرغ تصویر» او شبیه به شاعران هندی سراسر است. حتی سروده های نیمایی اخوان در پاره ای موارد به زبان ساده محاوره متمایل شده و این، سرآغازی است برای دگرگونیهایی که در مجموعه های بعدی رخ می دهد و خوب یا بد، چهره اخوان را تغییر می دهد. اخوانی که در منظومه های بلند «آخر شاهنامه»، «کتاب»، «قصه شهر سنگستان»، «آواز چگور» و... حضور داشت و محصول شکست بود، اندک اندک کم رنگ و محو می شود.

### ۳-۲- «زندگی می گوید...» و «دوزخ اما سرد»

آخرین مجموعه شعرهایی است که سروده های نو اخوان را در خود جای داده است. سروده هایی که به راحتی نمی توان آنها را نیمایی نامید. «در این دوره رویدادهای زمان به صورت طنز آمیزی در شعر امید مجسم می شود و دیگر از آن احساس درد شدید خبری نیست» (۱۴/ص ۱۱۳).

مجموعه نخست به گفته خود شاعر در مقدمه «یادگزاره ای منظوم» است و «شعر به معنای معهودش نیست» در همین مقدمه شاهد ادعای شاعر مبنی بر ابتکار «نثر منظوم» هستیم که در برابر «شعر منثور» وضع و ابتکار شده است. این ادعا و عمل به آن در این مجموعه یکسره ناامید کننده است درواقع اخوان می خواهد همه قید و بندهایی را

که نوآوران معاصر از دست و پای شعر برداشته اند دوباره به رسمیت بشناسد. در اینجا مجال ارزیابی این سبک نیست و تنها می توان گفت که اخوان به پایان دوران اوج رسیده و اگر سخنی می گوید احتمالا برای اثبات وجود خود است، نه اتمام سیر شاعری.

شاید گروهی دل به تجربه های جدید او بسته بوده اند، اما امروزه که شاعر رخت از این جهان بر بسته و از تجربه های او نیز سالیان سال گذشته، می توان گفت که اخوان برای تجربه هایی از این دست، بسیار پیر بوده است.

این سخنان به نوعی دیگر در مورد مجموعه «دوزخ اما سرد» نیز مصداق دارد، چرا که سروده های این مجموعه نیز با اندکی تفاوت در حدود شعرهای ضعیف مجموعه های پیشین است و هر خواننده با انصافی به اخوان حق می دهد که در پایان عمر و بیماری دوران کهولت یک بار دیگر به سراغ «ارغنونیات» برود و آماده شود تا دایره زندگی اش به نقطه پایان که در واقع همان نقطه آغاز بوده است، برسد.

### ۳-۳- تورای کهن بوم و بردوست دارم

کشکولی قطور از سروده های سنتی و به تعبیر خود اخوان «غزل خدا حافظی» اوست. اگر چه گاه سروده هایی مربوط به سالیان قبل و حتی نخستین سروده هایش در این مجموعه آمده، اما بیشتر شعرهای آن مربوط به سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۶۷ است. جای شگفتی بسیاری است که در این همه سال از آن طبع خلاق، حتی یک شعر نو آیین زاده نشده است.

سخن گفتن از قالبها و اندیشه های این سروده ها، تکرار سخنانی خواهد بود که در مورد «ارغنون» گفته شد. تنها باید اقرار کرد که گذر سالهای سال از یک سو پختگی اندیشه و استادی در فن سخنوری را به ارمغان آورده و از دیگر سو از شور و شوق جوانی کاسته است. پاره ای از سروده های پس از انقلاب اخوان که در شکایت از اوضاع روزگار و نابسامانی زمانه سروده شده است، رنگ و بوی اشعار اجتماعی دارد.

سخن یایانی در این قسمت اینکه هنرمندی اخوان و تسلط او به فرهنگ و ادب این سرزمین از بیت بیت سروده های سنتی او برمی آید و نشیب نامیدن این دوره تنها در قیاس با دوره اوج قبل از آن است، وگرنه سرودن این همه غزل و قصیده و قطعه زیبا

و مؤثر خود کاری است سترگ که از عهده هر کسی بر نمی آید و چه بسا نام آورانی که به خاطر کارهایی نه حتی این چنین بزرگ، جاودانی شده و نام و نانی یافته اند.

### نتیجه

از بررسی بخشهای سه گانه زندگی و شعر مهدی اخوان ثالث، دستاوردهایی نصیب گشت که به اجمال به چند مورد آنها اشاره می شود:

۱ - کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ویران کننده کاخ آمال روشنفکران و هنرمندان مبارز ایران بود و بار دیگر مسیر ترقی ایرانیان را، پس از سالها تلاش و مبارزه پیگیری، مسدود کرد. این رویداد تلخ در پیدایش اخوان نوسرا - که همه ماندگاری اخوان در ادبیات معاصر به او بسته است - نقشی مؤثر و انکار ناپذیر داشته است. این نقش را از مقایسه بخش درم زندگی و شعر اخوان با دو دوره دیگر می توان به خوبی دریافت. اگر چه آشنایی اخوان با نیما و شعر نیمایی به پیش از کودتا مربوط می شود؛ اما نخستین تجربه های او در قالب نونیمایی پس از این رویداد صورت می گیرد. به تعبیر دیگر اخوان به این واقعیت وقوف یافته است که بیان دردهای مردمی فراگیر به قالبی تازه نیاز دارد و این قالب را شعر نونیمایی می داند و در این کار موفق می شود.

۲- اخوان برای ایجاد ارتباط مؤثر با مخاطب، پلی می زند میان سنت و مدرنیته. «اگر ضمیر ناخودآگاه شعر مدرن را ناظر بر قصه روانشناختی نو، تجربه جریان سیال ذهن جویس، پروست، ویرجینیا ولف و ... پرهیز از توالی زمانی، کشف معانی نهان در پس چیزها، نام نبردن از اشیاء، تکنیک محض، تأکید بر آشنایی زدایی فرمالیستهای روس، فرم گرایی، کیفیت سوررئالیستی، امپرسیونیسی و ... تصاویر در نقاشی، ساخت تصویری سینمای مدرن و در مجموع سنت گریزی و نهایتاً سنت ستیزی مجادله آمیز بدانیم، شعر اخوان شعری مدرن به حساب نمی آید. حافظه فرهنگی شعر اخوان خالی از تجربه هنر امروز، مثلاً داستان نویسی، نیست؛ اما به شدت وامدار شعر کلاسیک فارسی است.

سنت در شعر اخوان به معنی حفظ پاره ای اعتقادات جزمی (به تعبیر الیوت) نیست. او صرفاً از سنت حراست نمی کند تا در شعر خود سودای بازگشت به گذشته ها را پر رنگ تر جلوه دهد، اما نوآوری اخوان در هر حال در قالب سنت می درخشد. از سوی دیگر نظارت دقیق اخوان بر تحول نیمایی و درک به موقع آن ... بینش تاریخی

او و در نتیجه، حس نوجویی توأم با تجربه فرهنگی اش، چهره ای ممتاز و «نو و معاصر» را در شعر امروز ایران ترسیم می کند (۸/ص ۴۱۰ و ۴۱۱).

شعر اخوان را در سه دوره جداگانه بررسی کردیم. بی تردید حجم آثار کلاسیک به شکل بارزی بیش از آثار نو و نیمایی اوست. در همین آثار نو و نیمایی نیز عنصر بسیار بنیادی زبان، هم در مفردات و ترکیبات و هم از دید ساختار به شدت و امدار سنت است. از دید شکل ظاهری نیز نوسورده های او در بسیاری موارد محصول آمیزش چهارپاره، سه لختی، مسمط و مانند آنهاست که با کاهش و افزایش هایی به هم دوخته شده است تا با تکیه بر کوتاهی و بلندی سطرها نیمایی شوند. قافیه اندیشی اخوان نیز آنقدر شدید است که گاه بیش از قالبهای سنتی از قافیه بهره می برد.

این همه در واقع باجی است که اخوان می پردازد تا شعر نونیمایی رسمیت بیابد، استوار شود و پایدار بماند که اینگونه هم شده است.

۳ - روایت پردازی اخوان از جنبه های مدرن شعر او شمرده می شود. اخوان بنا به توصیه «پیر و پیشوای یوشی» خود شعر را با داستان در می آمیزد تا به یاری عناصر دراماتیک آن بتواند یاد و خاطره های ماندگار را بسراید و مخاطب را مسحور افسانه های خود نماید.

۴ - اخوان در سایه سار شعر نیمایی راه خود را از رمانتیکها جدا می کند و به سمبولیسم اجتماعی می رسد. «نیما آغازگر سمبولیسم اجتماعی در شعر نو فارسی بود و اخوان ثالث آن را به کمال رسانید. (۱۸/ص ۲۹۶).

۵ - شکست سیاسی - اجتماعی، آنچنان شاعر را به خود مشغول داشته است که سرانجام شخصیت شعری او دچار شکست فلسفی می شود و جهان و محتوای آن را جمله هیچ در هیچ می پندارد. ناگفته نماند که منفی اندیشی و بدبینی او ریشه در دوران رمانتیسم گرایي او نیز دارد.

### پی نوشت

- ۱ - «نخستین شعرش را در مشهد، در سال ۱۳۲۳ (تاریخ احتمالی است) یعنی حدود هفده سالگی سرود. این شعر یک مثنوی است به نام «سه قطره» یا «داستان دوستی‌ها» که در کتاب «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» چاپ شده است. (امیدی دیگر، دکتر ضیاءالدین ترابی، ج ۲، ۱۳۸۱، ص ۷). نقطه پایان فعالیت ادبی اخوان نیز مجموعه «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم (۱۳۶۸)» است.
- ۲ - رجوع کنید به: انسان در شعر معاصر، محمد مختاری، ج ۲، توس، ۱۳۷۸، ص ۴۳۷ و امیدی دیگر ضیاءالدین ترابی، ج ۲، توس، ۱۳۷۸، ص ۱۹. و همچنین دیگر منابع مذکور در این مقاله و منابع مشابه.
- ۳ - در شعر «زمستان»، توصیفی از سردی و تنهایی و ... آغاز گر شعر است و پایان شعر با توصیفی مشابه همراه می‌گردد.
- ۴ - اخوان در پاورقی ص ۶۵، چاپ سوم ارغنون حتی نام میخانه دارانی را که پذیرای او بوده اند، نقل کرده است.
- ۵ - در مورد کارآیی زبانهای غزل و قصیده در سروده های نو اخوان نگاه کنید به: شعر زمان ما (۲)، محمد حقوقی، ج ۶، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۱.
- ۶ - نقل شده است از «آنا تول فرانس» که: «من بهترین زندگی را به داشتن یک میز و یک تست خواب خلاصه می‌کنم. میزی که بر آن غذا و شراب و کتاب خوب فراهم شود و تختی که بر آن همخوابه ای و خوابی دست دهد» اخوان در پاسخ قطعه ای پرداخته و از جمله در پایان آن گفته است:  
این زندگی مناسب انسان خوب نیست      شاید بود ملایم طبع دواب خوب  
یک تن غریق نعمت و خلقی امیر رنج      نفرین بر این حدیث خوش و آن کتاب خوب  
(ارغنون، چاپ سوم، ۱۳۴۸، صص ۱۵۲ تا ۱۵۴)
- ۷ - محمد حقوقی تحت تأثیر تفکرات و نظریات مرسوم زمان این بدبینی و ناامیدی را نشانه فردیت شاعر دانسته است. (رک: شعر زمان ما (۲)، محمد حقوقی، ۱۳۷۸، ج ۶، نشر نگار، ص ۱۲).
- ۸ - چهاربار از قالبی شبیه به مسمط از نزع افسانه نیما و یک بار از قالب موسوم به سه لختی (سه پاره) استفاده شده است.

۹- شعر فریاد شهریور ۱۳۳۳ سروده شده است. در همان سال شعرهای فراموش (آذر ۱۳۳۳)، اندوه (اسفند ۱۳۳۳) و برای دختر کم لاله و آقای مینا (بهمن ۱۳۳۳) نیز سروده شده است. درباره نخستین شعر نیمایی اخوان گروهی شعر «سترون» (دیماه ۱۳۳۱) را ذکر کرده اند که در قالب «چهارپاره» با سطر بندی های شبیه به نیمایی سروده شده است. بدین معنی که یک مصراع از چهار پاره به دو سطر یا نیم سطر تقسیم شده و از دید ظاهر نوشتار شبیه به قالب نیمایی است. اما در واقع چهارپاره است.

در همین زمینه می توان از سرود، های دیگر اخوان به نام «شعر» (بهمن ۱۳۳۱) یاد کرد که در ظاهر شعر نو است (چون در قالبهای سنتی سروده نشده است)؛ اما در واقع این سروده قابل تبدیل به قالب مستزاد است. یعنی دو سطر اول آن یک مصراع می شود و سطر سوم، یک نیم مصراع که شبیه به قالب «مستزاد» برابر مصراع اول نوشته می شود.

۱۰- به عنوان نمونه بند دوم شعر زمستان که هشت سطر است درست مانند دو چهار پاره است و بند سه سطری بعدی مانند یک قطعه سه لختی. در شعر سی و هشت سطری زمستان ۲۲ بار قافیه آمده است که به مراتب بیش از قالب های سنتی است.

۱۱- برای توضیح بیشتر در مورد این «من» در شاعران رمانتیک رجوع کنید به: بحران رهبری نقد ادبی و رساله حافظ، رضا براهنی، چاپ اول، ویستار، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۲۷ تا ۱۳۰.

#### منابع

- ۱- آیتی، عبدالمحمد: اخوان از چشم دیگران، باغ بی برگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲- اخوان ثالث، مهدی: ارغنون، چاپ سوم، مروارید، تهران، ۱۳۴۸.
- ۳- \_\_\_\_\_: زمستان، چاپ دهم، مروارید، تهران، ۱۳۶۹.
- ۴- \_\_\_\_\_: آخر شاهنامه، چاپ هفتم، مروارید، تهران، ۱۳۶۱.
- ۵- \_\_\_\_\_: از این اوستا، چاپ دهم، مروارید، تهران، ۱۳۷۵.
- ۶- \_\_\_\_\_: سه کتاب (درحیاط کوچک ...، زندگی می گوید... و دوزخ اما سرد)، چاپ هفتم، زمستان، تهران، ۱۳۷۶.
- ۷- \_\_\_\_\_: تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم، چاپ چهارم، مروارید، تهران، ۱۳۷۱.
- ۸- بابا پناهی، علی: گزاره های منفرد، چاپ اول، جلد اول، نشر نارنج، تهران، ۱۳۷۷.
- ۹- براهنی، رضا: طلا در مس، چاپ اول (زریاب)، جلد دوم، تهران، ۱۳۸۰.



- ۱۰- ترابی، ضیاءالدین: امیددی دیگر، چاپ دوم، دنیای نو، تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۱- جورکش، شاپور: بو طیفای شعر نو، چاپ اول، فقتوس، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۲- حقوقی، محمد: شعر زمان ما ۲، چاپ ششم، نگاه، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۳- حسین پور چافی، دکتر علی: جریانهای شعری معاصر فارسی، چاپ اول، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۴- دستغیب، عبدالعلی: نگاهی به مهدی اخوان ثالث، چاپ اول، مروارید، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۵- روزبه، دکتر محمدرضا: ادبیات معاصر ایران (شعر)، چاپ اول، روزگار، تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۶- زرگانی، دکتر سید مهدی: چشم انداز شعر معاصر ایران، چاپ اول، نشر ثالث، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۷- شفیع کدکنی، دکتر محمدرضا: تفسیری از شعر امید (مقاله)، ناگه غروب کدامین ستاره، چاپ اول، بزرگمهر، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۸- لنگرودی، شمس: تاریخ تحلیلی شعر نو، چاپ دوم، جلد دوم، مرکز، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۹- مختاری، محمد: انسان در شعر معاصر، چاپ دوم، توس، تهران، ۱۳۷۸.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی